

A Glimpse to the Accounts of Imam Jawad's Marriage

Research Article

Emamat Pajouhi
Tenth Year, Vol. 1
Spring & Summer 2020
DOI:10.22034
jep.2021.221902.1159
jep.emamat.ir



Seyyed Ali Akbar Rabi' Nattaj¹
Masoomeh Taherian Qadi²

Abstract:

There is an account of the wedding of Imam Jawad and Umm al-Faḍl which, meanwhile, there happened a debate between the Imam and Yahya b. Aktham. This paper aims to investigate the extant versions of the hadith in the Hadith, Tafsir, and historical sources and through the comparison find the main source of the Hadith and the authenticity of the Hadith could be evaluated. Three main sources of this account are 1) the Ali b. Ibrāhīm's Tafsir, 2) Tuḥaf al-'Uqūl's narration of Ali b. Ibrāhīm's monograph on the wedding, which is not extant today, and 3) Shaykh Mufid's al-Irshād. The account is narrated in other Hadith books in two types of direct narration or quotation that implies the consensus of Shiite scholars on the event. The affirmation of the historical books in the wedding and the brief report of the event in Sunnite sources are the proof of the authenticity of the account.

Keywords: Imam Jawad's wedding, Debate, Text comparison, The Imamate in Childhood

1. Professor of Quran and Hadith Science, Mazandaran University. sm.rabinataj@gmail.com

2. PhD in Quran and Hadith Science, Mazandaran University (Corresponding Author). masom.ghadi@yahoo.com

نظرة على رواية زواج الإمام الجواد عليه السلام بأَم الفضل

السيد علي أكبر ربيع نتاج^١ / معصومه طاهريان قادي^٢

مقالة محكمة

امامت پژوهشی
السنة العاشرة
العدد الأول، ربيع
وصيف سنة ٢٠٢٠
jep.emamat.ir

ملخص

تتناول هذه المقالة رواية حفل زواج الإمام الجواد عليه السلام بأَم الفضل (بنت المأمون) ومناظرة الإمام عليه السلام مع يحيى بن أكثم في ذلك الحفل. ونهدف من خلال هذا البحث دراسة النسخ الموجودة عن تلك الرواية في الكتب الروائية والتفسيرية والتاريخية ومقابلتها للكشف عن مصدرها أو مصادرها ومدى صحة تلك الحادثة والتفاصيل الموجودة في هذه الدراسة. ومن خلال إثبات هذه الحادثة التاريخية واستعراض تفاصيلها في مصادر الحديث والتاريخ الشيعية وعند أبناء العامة كأحد الدلائل الشيعية بشأن قبول إمامة الأئمة عليهم السلام. وتشير البحوث إلى أن لهذه الرواية ثلاثة مصادر رئيسية، هي: (١) التفسير المنسوب إلى علي بن إبراهيم القمي؛ (٢) نقل ابن شعبة الحراني عن كتاب علي بن إبراهيم القمي في موضوع زواج الإمام الجواد عليه السلام بأَم الفضل وهو ما لم يصلنا من المصادر؛ (٣) نقل الشيخ المفيد في كتاب (الإرشاد). وقد نُقلت الرواية المذكورة أيضاً في بعض الكتب الروائية والحديثية كنقل مباشر أو مضمونه مما يشير إلى تشابه آراء علماء الشيعة واتفاقهم حول تفاصيل تلك الحادثة. إن تصريح النصوص التاريخية بوقوع ذلك الزواج وذكر إجمالي لهذه الرواية في آثار ومؤلفات أبناء العامة يُعدّ شاهداً آخر على صحة الحادثة.

الكلمات الدلالية: زواج الإمام الجواد عليه السلام؛ المناظرة؛ مقابلة النصوص؛ الإمامة في مرحلة الطفولة.

١. أستاذ في كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية في جامعة مازندران، مازندران، إيران:
sm.rabinataj@gmail.com

٢. طالب في الدكتوراه في علوم القرآن والحديث، جامعة مازندران، مازندران، إيران (الكاتب المسؤول):
masom.ghadi@yahoo.com

نگاهی به روایت تزویج امام جواد علیه السلام با امّ الفضل*

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی-پژوهشی
امامت‌پژوهی، سال دهم
شماره اول، شماره پیاپی ۲۷
بهار و تابستان ۹۹
صفحه ۱۵۹ - ۱۹۰

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.221902.1159



copyright© the authors

سید علی اکبر ربیع نتاج^۱/معصومه طاهریان قادی^۲

چکیده

نقلی از جلسه ازدواج امام جواد علیه السلام با امّ الفضل (دختر مأمون) و مناظره امام علیه السلام با یحیی بن اکثم در آن جلسه موجود است. هدف ما بررسی نسخه‌های موجود این روایت در کتب روایی، تفسیری و تاریخی است تا با مقابله آنها، مصدر یا مصادر اصلی این روایت کشف شود و میزان صحت این واقعه و جزئیات مطرح شده در آن تحلیل و بررسی شود. با اثبات این واقعه تاریخی و بازبانی جزئیات آن در منابع حدیثی و تاریخی شیعه و سنی، علم امام به عنوان یکی از دلایل شیعه برای پذیرش امامت ائمه علیهم السلام تأیید می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این روایت، سه منبع اصلی دارد: (۱) تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی؛ (۲) نقل این شعبه جزئی از کتاب علی بن ابراهیم قمی در موضوع تزویج امام جواد علیه السلام با امّ الفضل که البته، به دست ما نرسیده است؛ (۳) نقل شیخ مفید در کتاب الارشاد. این روایت در دیگر کتب روایی و حدیثی، به صورت نقل مستقیم یا نقل به مضمون درج شده است که نشان از اتفاق نظر علمای شیعه درباره جزئیات این واقعه دارد. تصریح متون تاریخی بروقع این ازدواج و ذکر اجمالی این روایت در آثار اهل سنت نیز شاهی دیگر بر صحت اصل واقعه است.

کلیدواژه‌ها: ازدواج امام جواد علیه السلام، مناظره، مقابله متون، امامت در کودکی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۶.

۱. استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران؛

sm.rabinataj@gmail.com

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)؛

masom.ghadi@yahoo.com

طرح مسئله

پس از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مسئله امامت مهم‌ترین مسئله روز به حساب آمد؛ تا جایی که گفته شده که بزرگ‌ترین اختلاف میان امت، اختلاف درباره امامت بوده است.^۱ پس از شهادت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام - برای نخستین بار در تاریخ اسلام - کودکی خردسال به امامت رسید و این قضیه سبب شد در میان شیعیان نیز پذیرش امامت امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام با شک و شبهاتی همراه باشد. امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام خود مسئولیت پاسخ‌گویی به برخی از این شبهات را برعهده گرفتند و با بهره‌گیری از شواهد قرآنی و روایی، به اثبات امامت خویش پرداختند.^۲

زمینه‌سازی پذیرش امامت در کودکی توسط پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آغاز شد. از زمانی که امام علی عَلَيْهِ السَّلَام به تنهایی در نوجوانی به تأیید پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرداختند و حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز ایشان را وصی خود معرفی کردند، این زمینه‌سازی آغاز شد و بعدها در «بیعت رضوان» نیز حسنین عَلَيْهِمُ السَّلَام تنها کودکانی بودند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آن واقعه با آنها بیعت کردند.^۳

امامت و زعامت، در دوره خردسالی امری بی سابقه در تاریخ نبوده است. برخی از امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام برای امکان وقوع امامت در خردسالی به نبوت برخی پیامبران گذشته در سنین خردسالی اشاره و استناد کرده‌اند؛ مانند نبوت حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام در سیزده سالگی^۴ و نبوت حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در خردسالی.^۵

ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز به وقوع این حادثه در آینده خبر داده‌اند. در روایتی، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از وقوع چنین رخدادی برای جانشین خود خبر داده‌اند:

قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: دَخَلْتُ إِلَيْهِ - وَمَعِيَ غُلَامٌ يَقُودُنِي خُمَاسِي لَمْ يَبْلُغْ -
فَقَالَ لِي: كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا احْتَجَّ عَلَيْكُمْ بِمِثْلِ سِنِّهِ؟ أَوْ قَالَ: سَيَلِي

۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل والنحل، ۱/ ۲۴.

۲. نک: مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۲۰/ ۳۷، ۵۰.

۳. نک: ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ص ۴۵۴.

۴. نک: برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/ ۱۹۳؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۱۱/ ۵۶.

۵. نک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲/ ۱۰۲-۱۰۳.

عَلَيْكُمْ بِمِثْلِ سَيِّدِهِ؛ ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام رسیدم و کودک پنج ساله نابالغی عصاکش من بود. آن حضرت به من فرمودند: حال شما چگونه باشد، زمانی که حجت بر شما هم سال این کودک باشد؟^۱

همچنین امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام نیز با استدلال بر نبوت حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در کودکی، امامت فرزند خردسال خود پس از شهادتش را اعلام کرد.^۲

امام صادق، امام موسی کاظم و امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام نیز سعی در ایجاد فضای ذهنی مناسب برای پذیرش این رویداد داشتند که در قضیه امامت سابقه نداشت. در حقیقت، امامت امام جواد و امام هادی عَلَيْهِمَا السَّلَام در سنین کودکی زمینه سازی برای واقعه ای بزرگ تر و پذیرش امامت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در سنین خردسالی و آمادگی برای غیبت صغری و غیبت کبری بوده است. سیر منطقی این داستان، از زمان امامت امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام آغاز شد و با پذیرش امامت آن بزرگوار و اثبات علم ایشان در خردسالی، امکان امامت در خردسالی برای امامان بعدی و به ویژه حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام نیز اثبات شد.^۳

با وجود چنین جوی در میان شیعیان، مخالفان مذهب تشیع - چه طیف حکومتی و چه دیگر فریق اسلامی - فرصت را مناسب دیدند تا مهم ترین رکن تشیع را زیر سؤال ببرند. از این رو، جلسات مناظره در محضر امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام که کودکی هشت ساله بودند، برگزار شد و در آن جلسات، سؤالات علمی دقیق و پیچیده ای از ایشان پرسیدند، به آن امید که ایشان - به دلیل کمی سن - نتوانند به آن پرسش ها پاسخی صحیح و درخور بدهند و بدین وسیله علم و آگاهی ویژه ای را که شیعه برای امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام قائل بود، نفی کنند.^۴ از سویی دیگر، شیعیان نیز برای اثبات امکان امامت در خردسالی و سنجش علم امام نزد امامان خردسال می آمدند

۱. همان، ص ۳۸۲.

۲. همان، ص ۳۸۳.

۳. عاملی، جعفر مرتضی، الحیاة السیاسیة للامام جواد عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۱۶۱.

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۱/ ۱۸۲-۱۸۵.

و علم امام را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دادند؛ چنانکه گفته شده که گروهی از شیعیان، از شهرهای دور آمدند و در یک مجلس سی هزار سؤال از امام جواد علیه السلام پرسیدند و در آن زمان ایشان ده‌ساله بودند.^۱

در این میان موضع حکومت در برخورد با این ماجرا بسیار زیرکانه بود. مأمون که خلیفه و حاکم وقت بود، همواره خود را مدافع علم و آزادی معرفی می‌کرد تا جایی که در اواسط حکومت خود و به بهانه بزرگداشت حضرت علی علیه السلام مناظره‌ای در افضلیت امام علی علیه السلام برگزار کرد و لعن معاویه بر منابر را خواستار شد.^۲ او در همین راستا، ماجرای ولایتعهدی امام رضا علیه السلام را طراحی کرد. گفته‌اند که او از سخنان و اعمال خود مقصود سیاسی داشت و می‌خواست خود را «امام المهدی»، یعنی پیشوای هدایت‌جا بزند و در عمل به اهل سنت و جماعت دهن‌کجی کند. او حتی در سال‌های پایانی خلافتش برای تضعیف و تذلیل آن طایفه، آزمایشی ترتیب داد تا عقیده قدیم بودن قرآن در اهل حدیث را زیر سؤال ببرد که از آن به «دوران محنة» یاد می‌شود.^۳ اگرچه موضع او در مواجهه با اهل سنت و جماعت نیز به خوبی روشن نیست، اما برای پیشبرد اهداف سیاسی خود - در ظاهر - به دفاع از امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام می‌پرداخت؛ تا جایی که برای توجیه وصلت دخترش (ام‌الفضل) با امام جواد علیه السلام، جلسات مناظره‌ای ترتیب داد تا گستره علم و آگاهی امام جواد علیه السلام را بر معترضان آشکار کند. درحقیقت، او از این حربه برای نزدیکی به شیعیان و تطهیر وجهه خود استفاده کرد.

در مورد زندگی امام جواد علیه السلام کتاب‌های بسیاری نوشته شده است و حتی در مواردی به تحلیل وقایعی که برای آن حضرت علیه السلام اتفاق افتاده نیز پرداخته‌اند،^۴

۱. نک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲/۵۹۴.

۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۱۰/۵۶.

۳. کمالی، حسن، «عقل‌ستیزی در تمدن اسلامی»، ماهنامه کیان، ۳۷/۴۳.

۴. نک: شریف‌قرشی، باقر، حیات‌الامام محمد الجواد علیه السلام؛ الجابری، ستار جبار، الأبعاد السياسية لزواج الامام محمد الجواد علیه السلام من ام‌الفضل بنت المأمون العباسی؛ عاملی، جعفر مرتضی، الحیات السياسية للامام جواد علیه السلام.

اما به شکل ویژه و مبسوط به بررسی مصادر و متن روایات رسیده درباره جلسه ازدواج امام جواد علیه السلام و امّ الفضل (دختر مأمون) و مناظره‌ای که بین آن حضرت و یحیی بن اکثم (قاضی القضاة بغداد) انجام گرفت، نپرداخته‌اند. این نوشتار به بررسی این روایات با شیوه و ابعاد جدید می‌پردازد؛ زیرا یکی از ارکان مهم امامت، علم امام علیه السلام است و با بررسی صحت وقوع این حادثه، یکی از دستاوردهای این پژوهش اثبات علم امام علیه السلام در کودکی خواهد بود.

هدف این مقاله دسترسی به نقل اصلی این واقعه تاریخی، به وسیله مقابله نقل‌هاست، تا دانسته شود:

۱. نویسندگان کتب روایی، این واقعه را از چه منبع یا منابع مشترکی نقل کرده‌اند؟
۲. اختلاف نقل‌ها در این ماجرا، در چه موضوعاتی است؟
۳. جزئیات مورد قبول مربوط به وقایع مطرح شده در این نقل‌ها کدام‌اند؟
۴. درصد اعتماد به این نقل‌ها چقدر است؟

در کنار این دستاوردها، فواید مقابله نقل‌ها و دستاوردهای آن نیز، در این پژوهش آشکار می‌شود تا به عنوان روشی علمی، بیشتر مورد توجه حدیث‌شناسان قرار گیرد.

۱. مصادر روایت

اولین مرحله در شناخت صحت و سقم یک رویداد، بررسی منابع است؛ منابعی که هر یک با جزئیاتی به نقل آن ماجرا پرداخته‌اند. رویدادهای تاریخی مرتبط با اهل بیت علیهم السلام - افزون بر منابع تاریخی - در منابع روایی نیز یافت می‌شوند. ماجرای مذکور در منابع روایی و تاریخی شیعه و سنی نقل شده است. برای مصدربایی این نقل، این ماجرا و روایت در هر یک از مصادر روایی شیعه و سنی و مصادر تاریخی به صورت مجزا بررسی می‌شود.

۱-۱. مصادر روایی شیعی

ماجرای ازدواج امام جواد علیه السلام و امّ الفضل و مناظره امام با ابن اکثم در منابع شیعی،

با بیان جزئیات مجلس عقد و بیان مناظرات نقل شده است. قدیمی ترین منبع موجود که این روایت در آن آمده، تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی است.^۱ بعدها، مفسران در ذیل آیه ۹۵ سوره مائده این واقعه را از علی بن ابراهیم قمی نقل کرده اند که به نوعی به احکام صید در حال احرام اشاره دارد و تفسیری بر این آیه است که در مورد احکام صید در حج است.^۲ عبارات این روایت در تحف العقول در مقایسه با دیگر کتب، نزدیک تر به نقل تفسیر قمی است، اما طولانی تر و فاقد اشکالات متنی تفسیر قمی است و به همین دلیل - در این جا - خلاصه این ماجرا، از روایت تحف العقول نقل می شود:

وقتی مأمون تصمیم گرفت که دخترش (امّ الفضل) را به عقد حضرت جواد علیه السلام در آورد، بستگانش گفتند: تو را سوگند می دهیم که مقام خلافت را از خاندان بنی عباس بیرون نبری، شما دختری را به کودکی نه ساله تزویج می کنی که احکام دین خدا را نمی داند. مأمون گفت: او از همه شما فقیه تر است؛ هر چه خواهید از او پرسید. آنان برای اثبات ادعای خود از «یحیی بن اکثم» که در آن وقت قاضی القضاة بود خواستند تا یکی از مسائل مشکل فقه را از آن جناب پرسد.

در جلسه ای دیگر و در حضور همگان، مأمون گفت: یحیی! هر چه خواهی از ابو جعفر پرس تا مقام فقهی وی را بشناسی. یحیی گفت: درباره مردی که در حال احرام شکاری را بکشد، چه می فرمایید؟ فرمود: شکار را خارج حرم کشته یا در حرم؟ عالم به حکم بود، یا

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۱/ ۱۸۲-۱۸۵.

۲. نک: حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ۱/ ۴۷۵؛ قمی مشهدی، محمد، تفسیر کنزالدقائق، ۴/ ۲۳۶-۲۳۹؛ آملی، سید حیدر، تفسیر المحيط الاعظم، ۱/ ۵۷۳؛ بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع، ۲/ ۲۶۵-۲۶۸؛ رازی، ابوالفتح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۷/ ۱۵۱؛ کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منہج الصادقین، ۳/ ۳۲۷؛ مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ۵/ ۸۲-۸۶؛ قرائتی، محسن، تفسیر نور، ۲/ ۳۷۳.

جاهل؟ به عمد کشته یا به خطا؟ بنده بود یا آزاد؟ صغیر بود یا کبیر؟ بار اولش بود یا بار چندم؟ شکار، پرنده بود یا غیر پرنده؟ اگر پرنده بوده، جوجه بود یا مرغ؟ شکار کننده اصرار دارد یا توبه کرده است؟ عمل (صید)، شب و در آشیانه انجام گرفته یا روز و به صورت آشکار؟ احرام حج تمتع بوده یا عمره؟ همه از پاسخ امام علیه السلام به حیرت افتادند. مأمون گفت: ابو جعفر! خطبه عقد را بخوانم؟ فرمود: بخوان و سپس محمد بن علی امّ الفضل (دختر مأمون) را خواستگاری کرد و پانصد درهم به عنوان کابین به او داد، سپس مأمون ولیمه داد و وقتی اکثر حاضران از جلسه خارج شدند، گفت: ابو جعفر! اینک اگر صلاح بدانید کفّاره هریک از اصناف نامبرده را بیان فرمایید. فرمود: اگر در حال احرام شکاری را خارج از حرم بکشند و شکار از پرندگان بزرگ باشد، یک گوسفند به عهده اوست، اگر در حرم باشد دو گوسفند، برای جوجه خارج حرم یک بزّه از شیر گرفته شده و قیمت جوجه را نباید بدهد؛ زیرا در حرم نبوده، اگر در حرم باشد، یک بزّه و قیمت جوجه، برای چرندگان وحشی (در خارج حرم) گورخزیک گاو، شتر مرغ یک شتر، و اگر نتواند، شصت فقیر را غذا دهد و اگر قدرت ندارد نه روز روزه بگیرد، برای آهویک گوسفند و اگر نداشته باشد، ده فقیر را سیر کند و اگر نتواند سه روز روزه بگیرد، و در حرم کفّاره دو برابر است، قربانی باید به کعبه برده شود و این حقی واجب است، و اگر در احرام حج تمتع بوده، باید در قربانگاه منی ببرد و چنانچه در احرام حج عمره بوده، در مکه در حریم کعبه سر می بُرد و قیمتش را هم صدقه می دهد تا دو برابر شود. برای خرگوش یا روباه، یک گوسفند، و قیمتش را هم صدقه دهد، برای کبوتر حرم یک درهم صدقه دهد، و یک درهم دانه بخرد به کبوتران حرم دهد، برای جوجه کبوتر نیم درهم، برای تخمش ربع درهم، و هر خلافی شخص مُحرّم از سر جهل یا خطا بکند، کفّاره

ندارد؛ جز همان شکار که به جهل باشد یا علم. به عمد باشد یا خطا کفاره دارد، و اگر غلام شکار کند، کفاره به گردن ارباب است، و کودک نابالغ کفاره ندارد، و بالغ هم اگر تکرار کرد، دفعات بعد چیزی ندارد و از آنهاست که خدا از او انتقام می‌گیرد، اگر مُحرم شکار را به دیگری معرفی کند و نشان دهد و او بُکشد، مُحرم باید کفاره دهد و اگر توبه نکند، عذابِ آخرت هم دارد و اگر توبه کند عذاب ندارد. اگر شب در آشیانه به خطا آن را بُکشد چیزی براو نیست؛ جز اینکه شکار کند که چه شب باشد و چه روز کفاره دارد، و مُحرم به احرام حج باید قُرْبانسی را در مکه سربُرد.

مأمون، دستور داد حدیث را یادداشت کنند، سپس به کسانی که به این ازدواج اعتراض داشتند، رو کرد و گفت: در میان شما کسی هست که چنین جواب گوید؟ گفتند: نه! به خدا، قاضی هم قادر نیست. پس ادامه دادند: ای امیر! تواز ما بهتر او را می‌شناختی. گفت: وای بر شما، مگر نمی‌دانید این خاندان از قماش این خلق نیستند؟ مگر نمی‌دانید که پیغمبر ﷺ با حسن و حسین علیهما السلام در کودکی بیعت کرد و با هیچ کودک دیگری بیعت نکرد؟ مگر خبر ندارید که پدرشان علی علیه السلام نه ساله بود که به پیغمبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و خدا و رسول ایمانش را پذیرفتند و از هیچ کودک دیگری قبول نکردند، و پیغمبر صلی الله علیه و آله هیچ کودکی را به ایمان دعوت نکرد؟ مگر اطلاع ندارید که این نژاد همه از هم‌اند و هر چه اولشان - از فضایل - دارد، آخرشان هم دارد؟^۱

منابع بعدی که در غالب موارد ماجرا را به تفصیل نقل کرده‌اند، به ترتیب تاریخی عبارتند از: اثبات الوصیة لعلی بن ابی طالب،^۲ تحف العقول،^۳ الارشاد،^۴

۱. ابن شعبه حرّانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۴۵۱-۴۵۴.

۲. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیة، ص ۲۲۳-۲۲۶.

۳. ابن شعبه حرّانی، حسن، همان.

۴. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ۲/ ۲۸۱-۲۸۸.

الاختصاص^۱، عیون المعجزات^۲، کنز الفوائد. مؤلف کنز الفوائد این واقعه را به صورت مجمل ذکر می‌کند و بر این عقیده است که محدثان فریقین در بازگویی آن هم داستانند.^۳ همچنین در دلائل الامامة،^۴ روضة الواعظین،^۵ اعلام الوری،^۶ الثاقب فی المناقب،^۷ الخرائج والجرائح،^۸ الإحتجاج،^۹ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام،^{۱۰} کشف الغمة،^{۱۱} و الدرالنظیم،^{۱۲} به طور کامل و در دو منبع صراط المستقیم^{۱۳} و مجموعه نفیسه فی التاریخ الائمه علیهم السلام^{۱۴} روایت به صورت مجمل ذکر شده است؛ مفتاح الفلاح،^{۱۵} وسائل الشیعه،^{۱۶} بحار الانوار،^{۱۷} قصص الانبیاء،^{۱۸} ریاض الابرار،^{۱۹} حلیة الابرار^{۲۰} و ... نیز از منابع دیگری هستند که به این ماجرا اشاره داشته‌اند.

۱. همو، الاختصاص ۹۸-۱۰۱.

۲. ابن عبد الوهاب، حسین، عیون المعجزات، ص ۱۱۰-۱۱۲.

۳. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، ۱/ ۲۷۴-۲۷۵.

۴. منسوب به طبری، ابن رستم، دلائل الامامة، ص ۳۹۱-۳۹۴.

۵. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ۱/ ۲۳۷-۲۴۲.

۶. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ص ۳۵۱-۳۵۵.

۷. ابن حمزه طوسی، عبدالله، الثاقب فی المناقب، ص ۵۰۵-۵۰۷.

۸. راوندی، سعید، الخرائج والجرائح، ۲/ ۹۴۷.

۹. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ۲/ ۴۴۳-۴۴۶.

۱۰. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ۴/ ۳۸۰-۳۸۲.

۱۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ۲/ ۳۵۳-۳۵۸.

۱۲. شامی، یوسف بن حاتم، الدرالنظیم، ص ۷۰۶-۷۰۹.

۱۳. عاملی نباطی، علی بن محمد، صراط المستقیم، ۲/ ۱۷۵.

۱۴. عده‌ای از علما، مجموعه نفیسه فی التاریخ الائمه علیهم السلام، ص ۲۰۱-۲۰۲.

۱۵. شیخ بهایی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح، ص ۲۱۹-۲۲۱.

۱۶. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۲۱/ ۱۰۸-۱۰۹.

۱۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۰/ ۳۸۱-۳۸۴، ۵۰/ ۷۳-۷۹؛ ۹۶/ ۱۴۸-۱۴۹؛

۱۰۰/ ۲۷۱-۲۷۳.

۱۸. جزایری، سید نعمت الله، قصص الانبیاء، ص ۸۲۳-۸۲۶.

۱۹. همو، ریاض الابرار، ۲/ ۴۴۷-۴۵۲.

۲۰. بحرانی، سید هاشم، حلیة الابرار، ۴/ ۵۵۳-۵۶۰.

در برخی منابع شیعی، این ماجرا به اختصار بیان شده و از بیان جزئیات آن پرهیز شده است.^۱ در برخی منابع نیز، خطبه‌ای که امام جواد علیه السلام در مجلس عقد دختر مأمون خواندند، به صورت مستقل بیان شده است.^۲

در کتب اربعه شیعه این روایت نیامده است؛ هرچند نبود روایتی در کتب اربعه لزوماً به معنای عدم صحت آن نیست، به دلیل وجوه فقهی مناظره، درج آن در کتب اصلی حدیثی شیعه می‌توانست یکی از نکات اطمینان بخش به حدیث باشد. با جست‌وجو در روایات امام جواد علیه السلام در کتب اربعه دانسته شد که روایاتی از امام جواد علیه السلام ناظر به احکام حج در این آثار نقل شده‌اند،^۳ اما در هیچ‌یک از آنها موضوع روایت با مسائل مطرح شده در روایت ناظر به مناظره امام علیه السلام با یحیی ابن اکثم مطابقت ندارد. با این همه، روایاتی در کتب اربعه یافت شد که اصل امامت امام جواد علیه السلام در کودکی^۴ و ازدواج ایشان با دختر مأمون^۵ را تأیید می‌کند. همچنین روایاتی از امام باقر، امام صادق و امام رضا علیهم السلام در موضوع صید در حرم صادر شده^۶ که بندهایی از روایت امام جواد علیه السلام را در این مناظره تأیید می‌کند و همین امر دلیلی دیگر بر درستی موارد طرح شده در مناظره امام علیه السلام با یحیی بن اکثم است.

۱. نک: بغدادی، ابن الخشاب، تاریخ موالید الأئمه علیهم السلام، ص ۳۸-۴۰؛ خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، ص ۳۰۲؛ ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، ۳/ ۳۴۲؛ شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۲/ ۱۴۷؛ طبرسی، فضل بن حسن، تاج الموالید، ص ۱۰۲؛ شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۳/ ۳۹۸؛ طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، ص ۲۰۵-۲۰۷؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، ص ۷۶۲.

۲. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، همان؛ طبرسی، فضل بن حسن، همان؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، همان.

۳. نک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۹/ ۸۹، ۱۸۶؛ طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، ۵/ ۲۳۶؛ همو، الاستبصار، ۲/ ۲۸۴.

۴. نک: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/ ۱۸۱.

۵. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، همان.

۶. نک: منسوب به امام رضا علیه السلام، الفقه المنسوب الی امام الرضا علیه السلام، ص ۲۲۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۴/ ۲۳۳، ح ۷، ص ۲۳۴، ح ۱۰؛ شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، همان، ۲/ ۲۵۷، ح ۲۳۵۰، ص ۲۶۳، ح ۲۳۷۵.

۱-۲. مصادر روایی سُنی

قدیمی‌ترین منبع موجود اهل سنت که به ازدواج امام جواد علیه السلام با امّ الفضل اشاره کرده، کتاب مطالب السؤل است که علت این ازدواج را علم امام علیه السلام به رغم خُردسالی بیان کرده است. البته، در این منبع از ماجرای مناظره و سؤالاتی که بین امام علیه السلام و یحیی بن اکثم رد و بدل شده است، نقلی به میان نیامده است.^۱ منبع دیگری که این واقعه را نقل کرده، کتاب الصواعق المحرقة است که از منابع متعلق به قرن دهم اهل سنت است. در این منبع، این‌گونه آمده است: عدم ترس امام جواد علیه السلام در مواجهه با مأمون به هنگام بازی کودکانه در بین هم‌بازی‌هایش و صحبت‌هایی که بین آن دو اتفاق افتاد، موجب شد تا امام جواد علیه السلام مورد توجه و تفضّل مأمون قرارگیرد و به رغم سنّ کم ایشان، تصمیم بگیرد که دخترش (امّ الفضل) را به همسری او درآورد که در جلسه ازدواج، مناظره و سؤالی از یحیی بن اکثم - خطاب به امام جواد علیه السلام - مطرح شد.

نویسنده در این مورد به این مقدار که ابن اکثم سؤال پرسید و امام به روشنی بهترین پاسخ را داد، بسنده می‌کند و سؤال و جواب را به تفصیل بیان نمی‌کند، اما در بیان سؤال امام از یحیی بن اکثم، به تفصیل سؤال و جواب و درماندگی ابن اکثم از پاسخ را شرح داده و می‌گوید: در انتهای آن جلسه، امام علیه السلام و امّ الفضل به عقد هم در می‌آیند و راهی مدینه می‌شوند و در انتها نیز ماجرای شکایت امّ الفضل از امام را که در قالب نامه به مأمون فرستاده بود و جواب مأمون به آن نامه را بیان می‌کند.^۲ حدود سه قرن بعد، یک عالم سنی مذهب، به تألیف کتاب ینابیع المودة - ناظر به فضایل اهل بیت علیهم السلام - اقدام کرد و این روایت را نیز از کتاب الصواعق المحرقة در کتاب خویش درج کرد.^۳

این روایت، در دیگر منابع موجود اهل سنت یافت نشد، اما براساس گزارش

۱. نک: شافعی، محمد بن طلحه، مطالب السؤل، ص ۴۶۶-۴۷۱.

۲. ابن حجرالهیتمی، احمد، الصواعق المحرقة، ۲/ ۵۹۶-۵۹۸.

۳. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ۳/ ۱۲۴-۱۲۸.

کراجکی در کنز الفوائد که می‌نویسد: «وهذا أمر قد شارکتونا فی نقله واتفق أصحاب الحدیث علی حمله»،^۱ محدثان فریقین در بازگویی و نقل ماجرای این ازدواج و مناظره، همداستان بوده‌اند و اصحاب حدیث بر آن اتفاق داشته‌اند؛ باید گفت که محدثان اهل سنت نیز این واقعه را در آثار خود نقل کرده‌اند، اما به دست ما نرسیده است یا این که بعدها این روایت را از منابع خود حذف کرده‌اند.

نقل ابن حجر هیتمی در الصواعق المحرقة نیز نشان می‌دهد که او این حدیث را در منابعی از اهل سنت دیده، اما درباره این که چه دلیلی سبب شده این روایت در منابع کنونی اهل سنت وجود نداشته باشد، باید گفت که آن منابع در گذر زمان از بین رفته‌اند و محدثان اهل سنت، در آثار متأخر نیز رغبتی به نقل این اخبار در آثار خود نداشته‌اند و آنها را نقل نکرده‌اند و یا همان طور که گفته شد، این روایت را از آثار متقدم خود حذف کرده‌اند.

البته، لازم به ذکر است که عدم نقل این مطلب در صحاح سته و دیگر منابع مهم و متقدم اهل سنت، به خودی خود نمی‌تواند بر اصل وقوع این حادثه و جزئیات آن خدشه‌ای وارد کند؛ زیرا شیوه غالب مؤلفان اهل سنت بر عدم نقل روایات افضلیت ائمه علیهم‌السلام استوار بوده است؛ همان طور که در مورد دیگر امامان علیهم‌السلام نیز همین شیوه را پی گرفته‌اند. البته، این که - به رغم سانسور خبری - این واقعه در برخی آثار متأخر اهل سنت مانند الصواعق المحرقة - با ذکر سه محور اصلی، یعنی علم و اشراف گسترده امام به احکام در کودکی، ازدواج امام با دختر مأمون و مناظره ابن اکثم با امام جواد علیه‌السلام و مغلوب شدن او - درج و بیان شده، می‌تواند تأییدی بر صحت اصل این ماجرا باشد.

۱-۳. مصادر تاریخی

در کتب تاریخی به ماجرای ازدواج امام جواد علیه‌السلام و دختر مأمون، این‌گونه اشاره شده است:

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد به نقل از یحیی بن اکثم به خطبه خواندن مأمون

۱. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، ۱/ ۲۷۴.

برای ازدواج امام جواد علیه السلام و دختر مأمون که زینب نام داشت، اشاره کرده و در ادامه، نامه زینب به پدرش در شکایت از همسرش را آورده است، اما به قضیه مناظره و احتجاج امام علیه السلام با یحیی بن اکثم اشاره ای نکرده است.^۱ البته، طبق نقل مذکور، حضور ابن اکثم در مجلس ازدواج تأیید می شود.

در باقی منابع - چه حدیثی و چه تاریخی - نام دختر مأمون که به عقد امام جواد علیه السلام درآمد، نیامده و تنها به کنیه او اشاره شده است. امّ الفضل، با توجه به گفته خطیب بغدادی، باید همان زینب (فرزند مأمون) باشد.

در برخی منابع نیز گفته شده که مأمون یک دخترش به نام «امّ حبیبه» را به عقد امام رضا علیه السلام و دختر دیگر خود به نام «امّ الفضل» را به همسری امام جواد علیه السلام درآورده است.^۲

ابن خلدون، سال ازدواج امام رضا علیه السلام با دختر مأمون (امّ حبیبه) را ۲۰۲ ق می داند، که مأمون به قصد سرکوب کردن فتنه های به پا شده در عراق، راهی آن سامان شد و در راه آمدن به بغداد، دختر خود را به علی بن موسی الرضا علیه السلام داد.^۳ این مطلب در عیون اخبار الرضا علیه السلام نیز آمده است،^۴ اما نمی تواند دلیلی بر وقوع این ازدواج در عراق باشد؛ زیرا در عیون اخبار الرضا علیه السلام تصریح شده که این ازدواج در سال ۲۰۲ ق رخ داده است؛ حال آن که مأمون در سال ۲۰۳ ق عزم رفتن به عراق داشت و در نقل تاریخی نیز این طور بیان شده که مأمون در راه آمدن به عراق بوده، یعنی می توان آن را به معنای قصد مأمون برای حرکت به حساب آورد.

درباره تاریخ ازدواج امام جواد علیه السلام با دختر مأمون، گفته اند که مأمون در سال ۲۱۵ ق

۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ۶ / ۶۰.

۲. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب، ۳ / ۴۴۱؛ ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل، ۳۵۰ / ۶.

۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ۳ / ۳۲۰.

۴. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۲ / ۲۴۵.

و در ماه محرم به جانب روم لشکر کشید و چون به تکریت رسید، محمد بن علی بن موسی از مدینه رسید و مأمون به او نیکی کرد و دخترش امّ الفضل را به همسری او درآورد. به هنگام حج نیز همسر و خانواده اش را به شهر مدینه منتقل کرد و در آنجا اقامت گزید.^۱ در برخی منابع، گفته اند که ایشان به دیدار مأمون آمدند.^۲ طبری نیز این ماجرا را - با اندکی تفاوت - این گونه نقل کرده است:

محمد بن علی الرضا علیه السلام از مدینه پیش او آمد و در ماه صفر همین سال - شب جمعه - او را بدید. مأمون از او خواست به نزد دخترش (امّ الفضل) در آید که او را زنش کرده بود، پس او را به نزد امّ الفضل بردند در خانه احمد بن یوسف که برکنار دجله است و آن جا ماند و چون ایام حج رسید با کسان و عیال خویش روان شد تا به مکه رسید، آن گاه به منزل خویش در مدینه رفت و در آن جا بماند.^۳

در برخی منابع حدیثی، گفته شده که در آن سال که مأمون و امّ الفضل به روم و از آن جا به حج می رفتند، امام جواد علیه السلام نیز به همراه امام علی النقی علیه السلام در حالی که کودکی خردسال بودند، حرکت کردند و ایشان را در مدینه وصی خود قرار دادند و بعد با امّ الفضل به عراق رفتند. مأمون در ماه رجب سال ۲۱۸ ق - که ۱۶ سال از امامت امام جواد علیه السلام سپری شده بود - درگذشت و پس از او، معتصم و جعفر بن مأمون به امّ الفضل دستور کشتن امام را دادند.^۴

به دلیل اضطراب این نقل ها، تنها مطلبی که به وسیله مشترکات نقل ها تأیید می شود، اصل ازدواج امام جواد علیه السلام با امّ الفضل و حضور ابن اکثم در آن جلسه است؛ بدون هیچ اشاره ای به مناظره. دیدار امام جواد علیه السلام با مأمون در سال ۲۱۵ ق در تکریت نیز جدا از مراسم ازدواج امام جواد علیه السلام است.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، همان، ۶ / ۴۱۷.

۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، همان.

۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۸ / ۶۲۳.

۴. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیة، ص ۲۲۷.

۲. اسناد روایات

در میان منابع موجود، این روایت، نخستین بار در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی با سند زیر ثبت و درج شده است:

حدثنی محمد بن الحسین [الحسن] عن محمد بن عون النصیبی قال: لَمَّا أَرَادَ الْمَأْمُونُ أَنْ يُزَوِّجَ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْنَتَهُ أُمَّ الْفَضْلِ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ...^۱

دومین سند آن در اثبات الوصیه آمده که عبارت است از:

روی عن علی بن ابراهیم بن هاشم عن ابیه عن الریان بن شیبب خال المأمون. قال: لما أراد المأمون أن يزوجه أبا جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ ابنته اجتمع إليه...^۲

این روایت، در تحف العقول، به صورت مُرسل نقل شده است:

وروي عن الإمام الناصح الهادي أبي جعفر محمد بن علي عَلَيْهِ السَّلَامُ في طوال هذه المعاني جوابه عَلَيْهِ السَّلَامُ في محرم قتل صيدا لَمَّا عَزَمَ الْمَأْمُونُ عَلَى أَنْ يُزَوِّجَ ابْنَتَهُ أُمَّ الْفَضْلِ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ...^۳

شیخ مفید در الارشاد سند زیر را بیان می‌کند:

روی الحسن بن محمد بن سلیمان عن علی بن ابراهیم بن هاشم عن ابیه عن الریان بن شیبب قال: لَمَّا أَرَادَ الْمَأْمُونُ أَنْ يُزَوِّجَ ابْنَتَهُ أُمَّ الْفَضْلِ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَلَغَ ذَلِكَ الْعَبَّاسِيِّينَ...^۴

این روایت در کتاب الاختصاص به صورت مرفوع بیان شده است:

علی بن ابراهیم بن هاشم یرفعه قال: لما أراد المأمون أن يزوجه أبا جعفر محمد بن علي بن موسى عَلَيْهِ السَّلَامُ ابنته أُمَّ الْفَضْلِ اجتمع إليه...^۵

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، ۱/۱۸۲.

۲. مسعودی، علی بن الحسین، همان، ص ۲۲۳.

۳. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ص ۴۵۱.

۴. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ۲/۲۸۱.

۵. همو، الاختصاص ص ۹۸.

علامه مجلسی نیز در این رابطه سندی ارائه و درج کرده است که البته، آن را در جای دیگری نیافتیم:

وَمِنْهُ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ عَنْ بَدْرِ بْنِ عَمَّارِ الطَّبْرِسْتَانِيِّ عَنِ الصَّدُوقِ
عَنْ مُحَمَّدِ الْمُحْمُودِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: حَضَرْتُ مَجْلِسَ أَبِي جَعْفَرٍ
حِينَ تَرْوِجُ الْمَأْمُونِ وَكَانُوا بَعَثُوا إِلَيَّ يَحْيَى بْنَ أَكْثَمٍ...^۱

با توجه به این سند، باید گفت که این روایت را شیخ صدوق نیز نقل کرده است. البته، او در کتاب من لایحضره الفقیه آن را نیاورده، اما با توجه به روایاتی که دارای سندی مشابه با این روایت اند، یعنی ابوالفضل محمد بن عبد الله از ابوالنجم بدر ابن عمار الطبرستانی از ابوجعفر محمد بن علی الشلمغانی روایت کرده که تنها به جای شیخ صدوق از «ابوجعفر محمد بن علی» - که همان شلمغانی است - یاد کرده است که این اسناد در دلایل الامامة دیده می شود،^۲ با توجه به این شواهد، به نظر می رسد که علامه مجلسی - به دلیل مشابهت اسمی شیخ صدوق و شلمغانی - به اشتباه افتاده است و منظور از ابوجعفر محمد بن علی، شیخ صدوق نیست، بلکه شلمغانی است.

منابع متأخر، این روایت را گاه بدون سند^۳ و گاه به نقل از کتب اولیه - با اسنادی که در بالا آوردیم - نقل کرده اند^۴ و گاه تنها راوی اول آن، یعنی «ریان بن شیبب» را ذکر کرده اند.^۵ فتال نیشابوری، افزون بر ریان بن شیبب آن را توسط یحیی بن حبیب الزیات نیز آورده است،^۶ ابن شهر آشوب نیز می گوید که این روایت به طریق ریان بن شیبب و

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۰۰/۲۷۱-۲۷۳.

۲. منسوب به طبری، ابن رستم، دلائل الامامة، ص ۱۸۹-۱۹۰، ۳۰۷-۳۰۸، ۳۲۶، ۴۰۱.

۳. همان، ص ۳۹۱-۳۹۴.

۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ۲/۳۵۳-۳۵۸؛ شیخ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۲۱/۱۰۸-۱۰۹؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۰/۳۸۱-۳۸۴، ۵۰/۷۳-۷۹، ۷۹/۹۶، ۱۴۸-۱۴۹، ۱۰۰/۲۷۱-۲۷۳.

۵. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ص ۳۵۱-۳۵۵؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ۲/۴۴۳-۴۴۶.

۶. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ۱/۲۳۷-۲۴۲.

یحیی بن حبیب الزیات و غیر آن دوروایت شده است.^۱

از آن جا که یحیی بن حبیب الزیات از یاران امام رضا علیه السلام بوده است،^۲ گزارش این واقعه توسط او از نظر زمانی ممکن است. با این همه و طبق اسناد موجود، این واقعه در طبقه اول توسط ریّان بن شیبب، یحیی بن حبیب الزیات، پدر محمد المحمودی و محمد بن عون النصیبی نقل شده است. تعدد راویان در طبقه اول قرینه ای بروقوع این واقعه خواهد بود. از سوی دیگر، ریّان بن شیبب - یکی از نقل کنندگان این واقعه - دایی مأمون است و این نسبت فامیلی شاهی است بر این که به احتمال فراوان، او در مجلس مناظره حضور داشته و آن را نقل کرده است. وجود طرق مختلف و عدم انفراد علی بن ابراهیم در نقل این روایت، شاهی دیگر در وقوع این مناظره است. مجموع قرائن سندی پیش گفته، اطمینان نسبی ایجاد می کنند که اصل ماجرا به وقوع پیوسته است.

در اینجا، به دو دلیل، به ذکر این اسناد بسنده کرده و آنها را بررسی سندی نمی کنیم: نخست، این که این خبر - همانند بسیاری از روایات تاریخی - در بیشتر منابع، به صورت مُرسل یا فاقد سند و یا با راویان ضعیف و مجهول نقل شده است؛ دوم این که یکی از نظریه های مطرح در سنجش اخبار تاریخی این است که این اخبار، تنها از نظر متنی باید ارزش گذاری شوند و سند آنها - از اساس - جایگاه مهمی در پذیرش خبر ندارد.^۳ با چنین شرایطی می توان با بررسی محتوایی روایات و تطابق آن با گزارش های تاریخی، و مقابله متون، به میزان صحت و شقم اصل یک رویداد تاریخی و کیفیت وقوع آن دست یافت.

۳. نقد متنی

بررسی محتوایی روایت، یکی از مراحل سنجش و نقد حدیث به حساب می آید.

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ۴ / ۳۸۰ - ۳۸۲.

۲. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، ص ۳۶۹.

۳. شجاعی، حسین و مصلائی پور، عباس، «سنجش انتقادی اخبار تاریخی تفاسیر با بهره گیری از ملاک های علم تاریخ و علم حدیث»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن،

۱۳۹/۸.

امکان به وقوع پیوستن ابعاد یک واقعه از مسائل مطرح در نقد حدیث است و از همین رو، امکان وقوع امامت در خردسالی به اجمال مطرح می‌شود. افزون بر این، وجود اختلاف در جزئیات یک نقل، سبب اضطراب می‌شود که از اعتماد و اطمینان پژوهشگر به متن می‌کاهد. یکی از راه‌های رفع این مشکل، مقابله محتوای متون با یکدیگر است تا متن اصیل از میان آنها شناخته شود؛ هر چه منبع مورد نظر از منابع قدیمی تر باشد و به عبارتی، مرجع دیگر منابع تشخیص داده شود، جزئیات موجود در آن متن اطمینان بیشتری برای محقق به بار خواهد آورد. بر همین اساس، در شناسایی مصدر اصلی این روایت، به مقابله متنی این روایات در منابع مختلف خواهیم پرداخت.

۳-۱. بازیابی سنّ امام جواد علیه السلام در زمان ازدواج در متن روایات

یکی از اختلافات موجود در نقل‌های مطرح شده، سنّ امام جواد علیه السلام در زمان آغاز دوره امامتشان است. با توجه به این که سال تولد ایشان رمضان ۱۹۵ ق^۱ نقل شده است و شهادت امام رضا علیه السلام در ماه صفر سال ۲۰۳ ق^۲ بوده است، سنّ ایشان در آن زمان هفت سال و هشت ماه بوده است. در مصادر تاریخی و روایی نیز سنّ امام جواد علیه السلام را در زمان آغاز دوره امامتشان هفت سال و چند ماه ذکر کرده‌اند.^۳ از طرفی، با توجه به زمان شهادت امام جواد و امام رضا علیه السلام که در ذی القعدة سال ۲۲۰ ق^۴ و صفر سال ۲۰۳ ق^۴ بوده است، مدت امامت امام جواد علیه السلام هفده سال و هفت ماه است که با در نظر گرفتن سنّ امام جواد علیه السلام در هنگام شهادت - که

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲/ ۵۸۲؛ فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ۱/ ۲۴۳؛ بغدادی، ابن الخشاب، تاریخ موالید الائمة علیهم السلام، ص ۳۹؛ طبرسی، فضل بن حسن، تاج الموالید، ص ۱۰۱.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۴۹/ ۳.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، همان، ص ۹۹، ۱۰۲؛ عده‌ای از علما، مجموعه النفیسة فی تاریخ الائمة علیهم السلام، ص ۱۰۲.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان؛ شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ص ۳۳؛ طبرسی، فضل بن حسن، همان، ص ۱۰۲.

بیست و پنج سال و اندی ذکر کرده‌اند^۱ - به همان نتیجهٔ پیشین می‌رسیم، یعنی ایشان تقریباً در سنّ هشت سالگی به امامت رسیده‌اند.

گفته‌اند که مرگ مأمون در ماه رجب سال ۲۱۸ ق بوده^۲ و امام جواد علیه السلام نیز در آن زمان شانزده سال امامت کرده بودند.^۳ با توجه به این که نخستین ماه از سال قمری مُحرم است، با احتساب زمان شهادت امام جواد علیه السلام که در ذی القعدة سال ۲۲۰ ق بوده، ایشان دو سال و چهار ماه پس از مرگ مأمون، در قید حیات بودند. با توجه به روایتی که می‌گوید: امام جواد علیه السلام فرمودند سی ماه پس از مأمون فرج و گشایش حاصل می‌آید و پس از این مدت، امام رحلت فرمودند،^۴ امام دو سال و شش ماه پس از مأمون در قید حیات بودند و این بدان معناست که امام علیه السلام قاعدتاً باید در ماه مُحرم - که دو ماه پس از ذی القعدة است - به شهادت رسیده باشند.

در تعیین زمان این مناظره و سنّ امام جواد علیه السلام در هنگام ازدواج با دختر مأمون، نقل‌های متنوع و با اختلافات فراوان رسیده است؛ در کتب تاریخی، با توجه به نقلی که سال وقوع این ازدواج را ۲۱۵ ق دانسته است،^۵ امام جواد علیه السلام به هنگام ازدواج با امّ الفضل، بیست سال از عمر شریفشان گذشته بود.

جزایری نیز این واقعه را در سال ۲۱۱ ق در سنّ شانزده سالگی امام علیه السلام عنوان می‌کند.^۶ سنّ بیست یا شانزده سالگی با متن روایت هم خوانی ندارد؛ چون در تمامی نقل‌های رسیده از این حادثه، به کودک بودن امام علیه السلام اشاره شده است و یکی از دلایلی که اطرافیان مأمون بر این ازدواج خُرده گرفتند، عدم علم و آگاهی

۱. همان.

۲. جزایری، سید نعمت الله، قصص الانبیاء، ص ۸۲۸؛ مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیة، ص ۴۲۵.

۳. همان.

۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ۲/ ۳۶۲؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۵۰/ ۶۴.

۵. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل، ۶/ ۴۱۷؛ ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ۳/ ۳۲۰؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۸/ ۶۲۳.

۶. جزایری، سید نعمت الله، همان، ص ۸۲۳.

از امور به دلیل کمی سن عنوان شده است.^۱ شیخ مفید نیز پیش از بازگرددن این روایت، می‌گوید:

مأمون، چون فضیلت و برتری آن حضرت را در علم و دانش با آن خُردسالی و کودکی بدید و نبوغ او را ملاحظه کرد و دریافت که آن جناب در علم، حکمت، ادب و کمال خُرد و عقل به پایه‌ای رسیده که پیران سالخورده آن زمان از درک آن عاجزند، شیفته او شد و دخترش (امّ الفضل) را به همسری او درآورد.^۲

با این همه، تنها توجیهی که در باب این نقل‌ها در کتب تاریخی می‌توان بیان کرد، استناد به نقل طبری است که گفته: در این سال، مأمون از امام خواست تا به نزد امّ الفضل - که پیش از این به ازدواج او درآمده بود - برود.^۳ بنابراین، آنچه در سال ۲۱۵ ق در تکریت اتفاق افتاد، بیانگر ازدواج امام جواد علیه السلام با امّ الفضل در این سال نیست، بلکه آغاز علقه زناشویی میان ایشان و امّ الفضل است.

با توجه به متن این احادیث، کودک بودن امام جواد علیه السلام مسجل است، اما در این که در چه سنی بوده‌اند اختلاف نقل وجود دارد. سنّ امام در این واقعه - در تفسیر قمی - ده یا یازده سال ذکر شده است.^۴ ابن شعبه حرّانی^۵ نه سال^۵ درج کرده و شیخ مفید در الارشاد و طبرسی در الاحتجاج، نه سال و چند ماه^۶ و الاختصاص

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۱/۱۸۲؛ ابن شعبه حرّانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۴۵۱؛ مسعودی، علی بن الحسین، همان، ص ۲۲۳؛ شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ۲/۲۸۱؛ همو، الاختصاص، ص ۹۸؛ شافعی، محمد بن طلحه، مطالب السؤل، ص ۴۶۶-۴۷۱؛ ابن حجر الهیتمی، احمد، الصواعق المحرقة، ۲/۵۹۶-۵۹۸.

۲. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ۲/۲۸۱.

۳. طبری، محمد بن جریر، همان.

۴. قمی، علی بن ابراهیم، همان.

۵. ابن شعبه حرّانی، همان.

۶. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ۲/۴۴۳.

- منسوب به شیخ مفید - نیز همان نقل قمی را آورده است.^۱ در کنزالفوائد نیز سنّ امام نه سال و به قول دیگر هشت سال ذکر شده است.^۲ سنّ امام در الخراج و الجرایح نیز ده سال عنوان شده^۳ و ابوالفتوح رازی نیز در تفسیر روض الجنان و روح الجنان پس از بازگ کردن این داستان، می‌گوید: «سنّ امام در هنگام این ماجرا، نه سال و چند ماه بوده است».^۴

اگر سنّ امام را میانه‌ی نه تا ده سال در نظر بگیریم، تقریباً موافق و مؤید تمامی نقل‌های پیش‌گفته است. بنابراین، بهترین نقل برای سنّ امام، نه سال و اندی است که برخی آن را نه و برخی ده سال ثبت کرده‌اند که به‌طور میانگین هر دو صحیح خواهد بود و بر این اساس، این واقعه باید بین سال‌های ۲۰۴-۲۰۵ ق اتفاق افتاده باشد.

البته، در دسته‌ای از منقولات، زمان ازدواج امام جواد علیه السلام با امّ الفضل در حضور امام رضا علیه السلام گزارش شده است^۵ و شیخ صدوق نیز روایاتی آورده که بر این نکته تصریح دارند که مأمون به قصد تقرب به خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، در یک مجلس اقدام به تزویج دو دخترش به امام رضا و امام جواد علیه السلام کرده است.^۶

به اذعان و ادعای برخی، در حل این اختلاف باید گفت که مأمون دخترش را در زمان حیات امام رضا علیه السلام «ام الفضل للجواد» نامید و پس از شهادت امام رضا علیه السلام این ازدواج اتفاق افتاده است،^۷ اما - به اعتقاد نگارنده - نظر صحیح این است که اگرچه روایت این‌طور بازگویی کند که این دو ازدواج باهم و در سال ۲۰۲ ق به وقوع

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، ص ۹۷.

۲. کراچکی، محمد بن علی، کنزالفوائد، ۱/ ۲۷۴.

۳. راوندی، سعید، الخرائج والجرائح، ۲/ ۹۴۷.

۴. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۷/ ۱۵۴.

۵. ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الاخبار، ۳/ ۳۴۲.

۶. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۲/ ۱۴۷.

۷. امین، محسن، اعیان الشیعه، ۲/ ۳۴-۳۵.

پیوسته، اما به نظر می‌رسد که خواسته‌اند پس از نقل ازدواج امام رضا علیه السلام با یکی از دختران مأمون، به صورت استطرادی به ازدواج دختر دیگرش با امام جواد علیه السلام نیز اشاره کنند و به همین دلیل، این دو مطلب را در کنار هم ذکر کردند و به تاریخ ازدواج امام جواد علیه السلام اشاره‌ای نکردند. نقل‌های مذکور، شبهه هم‌زمانی این دو واقعه را برای راویان و نویسندگان بعدی ایجاد کرده و با نقل معنای این روایت، تأکید کردند که هر دو رخداد در یک مجلس بوده‌اند. شاهد و دلیلی که نظر ما را تأیید می‌کند، روایت مورد بحث در این مقاله است که در آن این طور آمده که عباسیان و اطرافیان مأمون پس از شنیدن قصد مأمون، گفتند: «ما در آن رفتاری که تونست به پدرش علی ابن موسی الرضا علیه السلام انجام دادی، در تشویش و نگرانی بودیم تا این‌که خداوند اندوه ما را از جانب او برطرف ساخت».^۱ پس این مجلس باید قاعدتاً پس از شهادت امام رضا علیه السلام برگزار شده باشد.

۳-۲. تلفیق دو مناظره در یک نقل

در نقل این داستان، در دسته‌ای از این روایات، تنها سؤال یحیی بن اکثم و پاسخ امام جواد علیه السلام به او آمده است؛ مانند آنچه در تفسیر قمی، اثبات الوصیة و الاختصاص آمده است و در دسته‌ای دیگر - افزون بر این بخش - سؤال امام علیه السلام از ابن اکثم و در ماندگی او در مقام پاسخ و جوابیه امام جواد علیه السلام نیز آمده است. مانند آنچه در کتاب تحف العقول و الارشاد آمده است که در این دسته از روایات، برخی نقل‌ها چنان‌اند که موهم این نکته‌اند که هم جریان سؤال و هم پاسخ در یک روز و در جلسه ازدواج امام علیه السلام با ام الفضل روی داده؛^۲ در حالی که این بند از روایت - در تحف العقول - جدا و مستقل از روایت نخست و سؤال یحیی بن اکثم، آمده است^۳ و تصریح ندارد که سؤال امام جواد علیه السلام از ابن اکثم نیز در روز تزویج مطرح شده باشد.

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ۲/ ۲۸۱.

۲. همان، ص ۲۸۶-۲۸۷.

۳. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۴۵۴.

۳-۳. بازیابی مصادر اصلی این روایت

با بررسی اختلافات و شباهت‌های این روایت در مصادر، می‌توان به منبع یا منابع اصلی این روایت که دیگر روایات از آن نقل کرده‌اند، دست یافت.

عبارات و توصیفات نقل این روایت در الاحتجاج^۱ بسیار نزدیک به نقل موجود در الارشاد شیخ مفید است. در هر دو از کفاره کشتن خرگوش، روباه، کبوتر، بچه کبوتر و تخم پرنده در حال احرام، مطلبی نیامده است. بخش دوم روایت نیز همانند الارشاد بیان شده است. در هر دو بسیار فراوان به فضل و علم خاندان عصمت علیهم‌السلام از زبان مأمون اشاره شده است و تمامی این شواهد و قرائن، این اطمینان را به بار می‌آورند که صاحب الاحتجاج این روایت را از الارشاد نقل کرده است.

این روایت، در برخی بندها مانند کفاره صید آهو، خرگوش، کبوتر، جوجه کبوتر، تخم کبوتر، شکار در شب، معادل‌های برخی کفاره‌ها، مانند روزه و اطعام مسکین، در متن روایت موجود در کتاب الارشاد نیامده است.^۲ نقلی که شیخ مفید در این کتاب آورده است، در نگاه نخست، به دلیل شباهت سندی با روایت موجود در اثبات الوصیه انتظار شباهت متنی نیز از آن می‌رود، اما این احتمال و نظریا بررسی دو متن رد می‌شود.^۳ گویی شیخ مفید این روایت را از جای دیگری گرفته است که اندکی متفاوت با دیگر نسخه‌های روایت موجود در دیگر کتب متقدم‌تر از او است. از جمله تفاوت‌های این دو متن، شرح و بسط زیاد این داستان نسبت به اثبات الوصیه و حتی تفسیر قمی و اضافه کردن بخش دوم داستان، یعنی سؤال امام جواد علیه‌السلام از یحیی بن اکثم و عجز و درماندگی او از پاسخ است که در اثبات الوصیه نیامده است. روایتی که شیخ مفید در الاختصاص می‌آورد، همان نقل تفسیر قمی است.^۴

۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ۲/ ۴۴۳-۴۴۶.
۲. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ۲/ ۲۸۵-۲۸۶.
۳. همان؛ مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، ص ۲۲۳-۲۲۶.
۴. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، ص ۹۸-۱۰۱؛ قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ۱/ ۱۸۲-۱۸۵.

در تحف العقول - مانند تفسیر قمی - از کفّاره کشتن آهو، گاو و خرگوش سخن گفته شده و در کنار آن از روباه هم یاد شده که در تفسیر مذکور نیامده است.^۱ با مقایسه نقل‌های مختلفی که از این روایت در دست است، چند احتمال مطرح است:

۱. ابن شعبه حزانى این روایت را از تفسیر قمی گرفته باشد که در این صورت، نسخه‌ای از تفسیر قمی در دست ابن شعبه بوده که اشکالات نسخه کنونی این تفسیر را نداشته است؛ زیرا در موارد اختلافی این دو کتاب، آنچه در تحف العقول آمده با دیگر منابعی که این روایت را آورده‌اند، سازگاری بیشتری دارد. بنابراین، صحت این روایت در تحف العقول نسبت به تفسیر قمی، بیشتر و قابل اعتمادتر است.

از جمله موارد اختلافی این دو نقل عبارتند از این که در تفسیر قمی آمده «جمل قد فطم»؛^۲ در حالی که در تمامی نقل‌های دیگر این روایت، به جای آن «حمل قد فطم» آمده است.^۳ در دیگر روایات نزدیک به این محتوا نیز عبارت «حمل قد فطم» آمده است.^۴ همچنین در کتاب تحف العقول آمده «وَإِنْ كَانَ مِنَ الْوَحْشِ فَعَلَيْهِ فِي حِمَارِ الْوَحْشِ بَقْرَةٌ وَإِنْ كَانَ نَعَامَةً فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ»^۵ و در دیگر منابع نیز عبارتی با این مضمون آمده است؛^۶ در حالی که در تفسیر قمی عبارت «بَقْرَةٌ وَإِنْ كَانَ نَعَامَةً فَعَلَيْهِ» نیامده است. افزون بر تفاوت‌هایی که پیش‌تر در تفسیر قمی و تحف العقول در نقل این روایت بیان شد، شرح و بسط عبارات به کار رفته در این دو منبع در این روایت، بسیار به هم نزدیک‌اند.

۱. همان؛ ابن شعبه حزانى، حسن، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ص ۴۵۴.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، همان، ۱/۱۸۴.

۳. مسعودی، علی بن الحسین، همان، ص ۲۲۵؛ شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ۲/۲۸۵؛ ابن شعبه حزانى، حسن، همان، ص ۴۵۲.

۴. نک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸/۵۲۳؛ شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۲/۳۶۷-۳۶۸.

۵. ابن شعبه حزانى، حسن، همان، ص ۴۵۲-۴۵۳.

۶. مسعودی، علی بن الحسین، همان؛ شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان.

۲. احتمال دیگر آن است که ابن شعبه این روایت را از کتاب دیگر علی بن ابراهیم - غیر از تفسیر او - نقل کرده باشد؛ زیرا در گزارش شیخ طوسی از آثار علی بن ابراهیم قمی - پس از معرفی آثار او و نقل طریق خود به آنها - این گونه می نویسد: «وروی أيضا حدیث تزویج المأمون أم الفضل من محمد بن علی علیه السلام ورویناه بالإسناد الأول»^۱. با توجه به این که شیخ طوسی برای این حدیث طریق ذکر کرده است، این احتمال وجود دارد که علی بن ابراهیم در اثری کم حجم این روایت را ثبت کرده و ابن شعبه حرّانی نیز روایت را از این کتاب نقل کرده باشد.

لازم به ذکر است که این روایت در تحف العقول به صورت مُرسل آمده و این احتمال تنها با تکیه بر اختلاف متون مطرح شده است، اما با بررسی دیگر آثار دانسته می شود که این روایت با سند دیگری از علی بن ابراهیم نقل شده است که با سند تفسیر قمی متفاوت است. برای نمونه، این روایت در اثبات الوصیة با سندی غیر از تفسیر قمی آمده است. متن روایت در اثبات الوصیة بسیار شبیه به روایت تفسیر قمی است، اما در تفسیر قمی داستان با جزئیات بیشتری بیان شده است. تنها اختلاف فاحشی که در این دو نقل موجود است، در بیان کفّاره صید کبوتر در احرام است که در تفسیر قمی گفته شده: «وإذا قتل الحمامة تصدق بدرهم...»^۲، اما در اثبات الوصیة آمده: «إذا قتل الحمامة بعد الشاة بدرهم...»^۳. با توجه به اختلافات موجود در متن و سند^۴ روایت مذکور در این منبع با تفسیر قمی، باید گفت که صاحب اثبات الوصیة این روایت را از تفسیر قمی نگرفته است. از طرفی، با توجه به هم عصر بودن علی بن ابراهیم قمی و صاحب اثبات الوصیة^۵، می توان

۱. طوسی، محمد بن الحسن، الفهرست، ص ۲۶۷.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۱/ ۱۸۴.

۳. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیة، ص ۲۲۵.

۴. قمی، علی بن ابراهیم، همان، ۱/ ۱۸۲؛ مسعودی، علی بن الحسین، همان، ص ۲۲۳.

۵. صاحب اثبات الوصیة فردی غیر از مسعودی (نویسنده مروج الذهب) است، اما با وجود این هر دو کتاب در سال ۳۳۲ ق تألیف شده اند و نویسندگانی متعلق به قرن چهارم بوده اند. این احتمال مطرح است که صاحبان این دو اثر اسامی مشترکی داشته اند و یا این که صاحب اثبات الوصیة

گفت که صاحب اثبات الوصیة این روایت را به طور مستقیم از خود علی بن ابراهیم شنیده است و احتمال قوی‌ترین است که علی بن ابراهیم کتابی دیگر با موضوع حدیث تزویج امام جواد علیه السلام با امّ الفضل داشته^۱ و صاحب اثبات الوصیة از این کتاب، روایت کرده است.

تمامی روایاتی که مصدربیابی شدند، در نهایت، به سه منبع زیر ختم شدند:

۱. نقل موجود در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی که برخی تفاسیر بعدی و کتاب الاختصاص^۲ از آن نقل کرده‌اند.

۲. نقلی نزدیک به تفسیر قمی که در تحف العقول و اثبات الوصیة آمده است.^۳ این نقل به احتمال فراوان از اثری اخذ شده که علی بن ابراهیم قمی به صورت مستقل درباره تزویج امام جواد علیه السلام و امّ الفضل نگاشته و اکنون مفقود شده است.

۳. نقل شیخ مفید در الارشاد که بسیاری از نقل‌های بعدی - در کتاب‌هایی چون الاحتجاج طبرسی، کشف الغمة علی بن عیسی و حلیة الابرار بحرانی -^۴ برگرفته از این نقل هستند.

نتیجه

۱. طبق نقل‌های تاریخی و روایی، در بازه‌ای از حکومت مأمون، حادثه‌ای اتفاق افتاد که سه ویژگی و مؤلفه داشت: عالم بودن امام جواد علیه السلام در کودکی که نتیجه‌اش ترغیب

نام دیگری داشته و به اشتباه این اثر به مسعودی نسبت داده شده است (نک: شبیری زنجانی، سید محمد جواد، «اثبات الوصیة و مسعودی صاحب مروج الذهب»، مجله انتظار، ش ۴).

۱. طوسی، محمد بن الحسن، همان.

۲. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، ص ۹۷.

۳. قمی، علی بن ابراهیم، همان، ۱/ ۱۸۲-۱۸۵؛ مسعودی، علی بن الحسین، همان، ص ۲۲۳-۲۲۶؛ ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۴۵۱-۴۵۴.

۴. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ۲/ ۲۸۱-۲۸۸؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ۲/ ۴۴۳-۴۴۶؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ۲/ ۳۵۳-۳۵۸؛ بحرانی، سید هاشم، حلیة الابرار، ۴/ ۵۵۳-۵۶۰.

مأمون به تزویج دخترش با ایشان بود و البته، این امر رشک و حسادتِ عباسیان را برانگیخت و سبب شد تا مناظره‌ای توسط یحیی بن اکثم با امام ترتیب داده شود تا علم امام را ارزیابی کرده و مورد آزمایش قرار دهند. طبق روایات، این سه اتفاق در یک جلسه رخ داده‌اند. در نقل‌های موجود تاریخی و غالب منابع در دسترس روایی اهل سنت مطلبی از مناظرهٔ جلسهٔ مذکور گزارش نشده است. به نظر می‌رسد که عدم گزارش جزئیات این واقعه در منابع اهل سنت، نشأت گرفته از تسلط حاکم وقت بر مورخان و بیانگر شیوهٔ غالب علما و مؤلفان اهل سنت در عدم ذکر فضایل ائمه علیهم‌السلام بوده است. با وجود این، ازدواج امام جواد علیه‌السلام در کودکی - به دلیل آگاهی یافتن و تحقیر مأمون از مقام علمی ایشان - حتی در منابع پیش‌گفته نیز گزارش شده و حضور ابن اکثم در این جلسه نیز گزارش شده است. حتی در دو منبع قرن دهم و سیزدهم نیز - به اجمال - به این مناظره اشاره شده است که همهٔ این شواهد با نظریهٔ جو مسموم نقلیات در بین مخالفان، نشان از صحت اصل این اتفاق با هر سه مؤلفهٔ حادثه دارد.

۲. در منابع شیعی، نخستین نقلی که از این روایت دیده می‌شود در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی است. برخی منابع - مانند الاختصاص - از این مصدر نقل کرده‌اند، اما از مقایسهٔ متن روایت موجود در تفسیر قمی با اکثر نقل‌هایی که از علی بن ابراهیم قمی و دیگران رسیده است، وجود کاستی‌ها و اشتباهاتی در نسخهٔ موجود از این تفسیر برداشت می‌شود. از شباهت فراوان عبارات تفسیر قمی با متن روایت در تحف العقول، این نتیجه حاصل می‌شود که نسخه‌ای از تفسیر قمی در دست ابن شعبه حَزَانی بوده که این کاستی‌ها و لغزش‌ها را نداشته است، اما احتمال قوی‌تر این است که ابن شعبه این روایت را از کتاب دیگر علی بن ابراهیم نقل کرده باشد؛ زیرا بر اساس گزارش شیخ طوسی، او در مورد تزویج امام جواد علیه‌السلام با امّ الفضل مطالبی را به شکل مجزّأ و مستقل نقل کرده است. نقل اثبات الوصیة نیز از همین کتاب علی بن ابراهیم قمی است؛ نه از تفسیر او. افزون بر این، نقل شیخ مفید در الارشاد نیز نقلی مستقل به حساب می‌آید که نقل‌های پیش از آن به دست ما نرسیده است و نقل‌های متأخرتر از آنها از یکی از این کُتب نقل شده‌اند؛ هرچند مؤلف آن گاه به منبع آن اشاره‌ای نکرده باشد. با این همه، به سه مصدر اصلی از این روایت رسیدیم که دیگر محدثانی که این روایت را در منابع خود آورده‌اند از این منابع نقل کرده‌اند:

۱) تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی؛ ۲) کتاب دیگر علی بن ابراهیم با موضوع تزویج امام جواد علیه السلام با ام الفضل که انعکاس آن در تحف العقول و اثبات الوصیة آمده است؛ ۳) الارشاد شیخ مفید.

قدر مشترک نقل‌ها با توجه به اصل قرار دادن سه منبع مذکور، این خواهد بود که این واقعه در سن ۹ تا ۱۰ سالگی امام اتفاق افتاده، یعنی در سال‌های ۲۰۴-۲۰۵ و پس از شهادت امام رضا علیه السلام بوده است. علت این ازدواج نیز علم وافر امام جواد علیه السلام بوده است. جریان مناظره ابن اکثم با امام جواد علیه السلام و طرح سؤال فقهی در موضوع حج نیز در نقل‌ها مشترک است که همه اینها شاهی هستند بر اصل وقوع این ماجرا با تمامی جزئیات آن. اختلافات اندکی که در بندهای روایت‌ها مشاهده می‌شود، به اصل نقل خدشه‌ای وارد نمی‌سازد و به روشنی حاکی از اختلاف نقلی ناظران واقعه است؛ چون در بازگ کردن هر واقعه تاریخی، افراد حاضر در صحنه هر یک به سلیقه و فهم خود ماجرا را بازگویی کنند.

۳. در برخی از نقل‌ها - از جمله یکی از نقل‌های اصلی این روایت - در شرح مناظره، افزون بر سؤال یحیی بن اکثم از امام جواد علیه السلام، سؤالی نیز از طرف امام علیه السلام خطاب به ابن اکثم مطرح شده که او در پاسخ به آن سؤال درمانده است. دلیل و علت عدم وجود قسمت دوم مناظره در برخی نقل‌ها نیز از سه حالت خارج نیست: یا به این دلیل بوده که این دو سؤال در یک مجلس پرسیده نشده است؛ یا بیانگر نقل داستان به صورت خلاصه و تقطیع شده است و یا این که راوی، کل داستان را بازگو کرده، اما نسخه کامل آن به دست ما نرسیده است. به نظرمی‌رسد که احتمال نخست، قوی‌تر باشد؛ زیرا این بخش اضافه در برخی روایات به صورت مستقل آمده است که شاهی است بر این که این مناظره دوم در جلسه‌ای مستقل و جدا و در تاریخ دیگری برگزار شده که شیخ مفید آن را به دلیل اشتراک دو طرف مناظره در ادامه این روایت نقل کرده است.

کتابها

*قرآن کریم.

ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل في التاريخ، دارصادر، بیروت، ۱۳۸۵ ق.
ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، نشرجهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، کتاب من لایحضره الفقیه، به کوشش علی اکبر غفاری، مؤسسه انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.

ابن حجرهیتمی، احمد، الصواعق المحرقة علی اهل البدع والضلال والزندقة، به کوشش عبدالرحمن بن عبدالله التركي وکامل محمد الخراط، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۹۹۷ م.

ابن حمزه، محمد بن علی، الثاقب في المناقب، انصاریان، قم، ۱۴۱۹ ق.

ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الاخبار في فضائل الائمة الأطهار علیهم السلام، مؤسسه انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۹ ق.

ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، به کوشش خلیل شحادة، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، مؤسسه انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.

ابن عبد الوهاب، حسین، عیون المعجزات، مكتبة الداوری، قم، بی تا.

اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة في معرفة الائمة علیهم السلام، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.

آملی، سید حیدر، تفسیر المحيط الاعظم والبحر الخضم فی تاویل کتاب الله العزیز المحکم، به کوشش محسن موسوی تبریزی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۲۲ ق.

امین، محسن، اعیان الشیعه، به کوشش حسن الامین، دارالتعاریف للمطبوعات، بیروت، بی تا.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیة الأبرار في أحوال محمد وآله الأطهار علیهم السلام، مؤسسه المعارف الاسلامیة، قم، ۱۴۱۱ ق.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱ ق.

بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع، انتشارات صدر، تهران، ۱۳۶۶ ش.

بغدادی، ابن الخشاب، تاریخ موالید الائمة عليهم السلام، به كوشش سيد محمد مرعشى، مكتبة آية الله مرعشى النجفى، قم، ۱۴۰۶ ق.

جزائرى، نعمت الله، رياض الابرار في مناقب الائمة الاطهار عليهم السلام، مؤسسة التاريخ العربي، بيروت، ۱۴۲۷ ق.

جزائرى، نعمت الله، قصص الانبياء، انتشارات فرحان، ۱۳۸۱ ش.

رازى، ابوالفتوح حسين بن على، روض الجنان وروح الجنان في تفسير القرآن، به كوشش محمد جعفر ياحقى و محمد مهدي ناصح، بنياد پژوهش های اسلامى آستان قدس رضوى، مشهد، ۱۴۰۸ ق.

شيخ حرعالملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، قم، ۱۴۰۹ ق.

حويزى، عبد على بن جمعه، تفسير نورالثقلين، به كوشش سيد هاشم رسولى محلاتى، انتشارات اسماعيليان، قم، ۱۴۱۵ ق.

خصيبى، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى، البلاغ، ۱۴۱۹ ق.

خطيب بغدادى، احمد بن على، تاريخ بغداد، به كوشش مصطفى عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۷ ق.

شافعى، محمد بن طلحه، مطالب السؤل في مناقب آل الرسول عليهم السلام، به كوشش ماجد ابن حمد العطيه، بى نا، بى جا، بى تا.

شامى، يوسف بن حاتم، الدر النظيم فى مناقب الائمة اللهاميم عليهم السلام، انتشارات اسلامى، قم، ۱۴۲۰ ق.

شعيرى، محمد بن محمد، جامع الاخبار، مطبعة حيدرية، نجف، بى تا.

شهرستانى، محمد بن عبد الكريم، الملل والنحل، به كوشش محمد سيد گيلانى، دار المعرفة، بى جا، بى تا.

شيخ بهايى، محمد بن حسين، مفتاح الفلاح في عمل اليوم والليلة من الواجبات والمستحبات، نشر دار الأضواء، بيروت، ۱۴۰۵ ق.

طباطبائى، محمد كاظم، تاريخ حديث شيعه، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۰ ش.

طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج على أهل اللجاج، نشر مرتضى، مشهد، ۱۴۰۳ ق.

طبرسى، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، شريف رضى، قم، ۱۴۱۲ ق.

طبرسى، فضل بن حسن، اعلام الورى باعلام الهدى، اسلاميه، تهران، ۱۳۹۰ ق.

طبرسى، فضل بن حسن، تاج المواليد، دار القارى، بى نا، بيروت، ۱۴۲۲ ق.

راوندى، سعيد بن هبة الله، الخرائج والجرائح، مؤسسه امام مهدي عليه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.

طبرى، ابن رستم، دلائل الامامة منسوب به طبرى، بعثت، قم، ۱۴۱۳ ق.

- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، به کوشش محمد أبو الفضل ابراهیم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۷ ق.
- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، الرجال، انتشارات حیدریه، نجف، ۱۳۸۱ ق.
- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، الفهرست، مكتبة المرتضوية، نجف، بی تا.
- عاملی نباطی، علی بن محمد، الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، المكتبة الحیدریه، نجف، ۱۳۸۴ ق.
- عاملی، جعفر مرتضی، الحیاة السیاسیه للامام الجواد علیه السلام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، بی تا.
- عده ای از علما، مجموعه نفیسه فی تاریخ الائمه علیهم السلام، دارالقاری، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین وبصیرة المتعظین، انتشارات رضی، قم، ۱۳۷۵ ق.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس های قرآن، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، به کوشش حسین درگاهی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر (منسوب به) القمی، دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ ق.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، به کوشش علی جمال اشرف الحسینی، انتشارات اسوه، قم، ۱۴۱۶ ق.
- کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران، ۱۳۳۶ ش.
- کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.
- کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، دارالرضی (زاهدی)، قم، ۱۴۰۵ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب ومعادن الجوهر، به کوشش اسعد داغر، دار الهجرة، قم، ۱۴۰۹ ق.
- مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیة للامام علی بن ابی طالب، انصاریان، قم، ۱۴۲۶ ق.
- شیخ مفید، مُحَمَّد بن مُحَمَّد بن نُعمان، الاختصاص منسوب به شیخ مفید، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- شیخ مفید، مُحَمَّد بن مُحَمَّد بن نُعمان، الازشاد، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.

مقالات

شبیری زنجانی، سید محمد جواد، «اثبات الوصیة و مسعودی صاحب مروج الذهب»،
مجله انتظار موعود، ش ۱۳۸۱.۴ ش.

شجاعی، حسین و مصلائی پور، عباس، «سنجش انتقادی اخبار تاریخی تفاسیر با
بهره‌گیری از ملاک‌های علم تاریخ و علم حدیث»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن،
ش ۱۳۹۵، ۸ ش.

کمالی، حسن، «عقل ستیزی در تمدن اسلامی»، ماهنامه کیان، ش ۴۳، بی تا.